

ضرورت مشارکت بیشتر زنان در سطوح تصمیم‌گیری

کشور به‌عنوان مدیر و مدیر بسیار کم بوده و زمینه‌های لازم جهت رشد و باروری او در این ارکان و کسب جایگاه مناسب در این سطوح فراهم نگردیده است. بررسی آمار جمعیت فعال زن در کشور تا حدی گویای این مطلب است.

در سال ۱۳۳۵، جمعیت فعال زنان تنها ۹/۲

درصد جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر زن را تشکیل

داده است. این نسبت در سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵

به ترتیب به ۱۲/۵ درصد و ۱۲/۹ درصد رسیده

است. اما در سال ۱۳۶۵ به ۸/۱ درصد و در سال

۱۳۷۰ به ۸/۷ درصد افزایش یافته است. در سال

۱۳۶۵، از مجموع جمعیت فعال کشور حدود

۱۰/۲ درصد را زنان تشکیل می‌دادند.^(۱) بررسی

نسبت زنان به کل شاغلین کشور طی سال‌های

۱۳۳۵ تا ۱۳۷۰ نشان می‌دهد که در سال ۱۳۳۵

تنها ۹/۶ شاغلین کل کشور را زنان تشکیل

می‌دادند. این نسبت در سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵

به ترتیب به ۱۳/۲ درصد و ۱۳/۷ درصد رسیده

است. این رقم در سال ۱۳۶۵ به ۸/۸ درصد کاهش

یافت و در سال ۱۳۷۰ تا ۹/۳ درصد افزایش پیدا

کرد. (نمودار شماره ۱)

مروری بر نسبت زنان در کل نیروی کار جهان

و برخی از کشورها نشان می‌دهد که این نسبت در

جهان ۳۶ درصد، در آمریکا ۴۵/۳ درصد، نروژ

۴۵/۵ درصد، استرالیا ۴۱/۹ درصد، ژاپن ۴۰/۷

درصد، کره ۴۰/۴ درصد، آلمان ۳۸/۹ درصد،

ترکیه ۳۱/۴ درصد و سودان ۲۱/۶ درصد

است.^(۲) (نمودار شماره ۲). این نسبت‌ها فاصله

زیادی را در مقایسه با نسبت زنان در نیروی کار

کشورمان نشان می‌دهد.

درصد زنان شاغل نیز در سال ۱۳۳۵ حدود

۹/۱ درصد جمعیت ۱۰ سال به بالای زنان را

تشکیل می‌دهد است که این نسبت در سال ۱۳۴۵

به ۱۱/۵ درصد افزایش یافته و در سال‌های ۱۳۵۵

● در اکثر کشورها زنان تنها بخش

کوچکی (بین ۱۰ تا ۳۰ درصد) از

سمت‌های مدیریتی را اشغال می‌کنند و

تعداد کمتری (کمتر از ۵ درصد) به

بالاترین مناصب دست پیدا می‌کنند.

● در آمریکا و انگلستان، زنان تنها

۲ درصد اعضای هیات‌مدیره

شرکت‌های بزرگ را تشکیل می‌دهند.

۶۴۰ نفر مدیر با بالاترین حقوق، تنها دو نفر زن بوده‌اند.^(۳) در آلمان نیز در سال ۱۹۸۶ تنها ۱/۵ درصد از مدیران ارشد زن بوده‌اند.^(۴)

با آنکه زنان نیمی از جمعیت بزرگسال جهان را

تشکیل می‌دهند اما فقط ۱۰ درصد کرسی‌های

پارلمان‌های جهان و ۴ درصد مشاغل وزارت و یا

سایر مقام‌های بلندپایه اجرائی را در اختیار

دارند.^(۵) این امکان در کشورهای درحال توسعه

به مراتب کمتر بوده و همچنان اعتقاد و باور

اجتماعی نسبت به نقش فعالانه زن شکل جدی

خود را باز نیافته است.

با وقوع انقلاب اسلامی که زن مسلمان ایرانی

گام‌های حضور را در صحنه‌های مختلف و

به‌خصوص در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی

برداشت و به آن سرعت بخشید، انتظار تحرك

علمی و عملی از او در سطوح بالای نهادهای

اجتماعی افزون‌تر شد. به‌ویژه این باور هنگامی

قوت می‌گیرد که بپذیریم او می‌تواند با ارتقا

توانائی‌های خویش در جهان پرنظام امروز که

همواره در پی یافتن حلقه‌های گمشده ارزش‌های

معنوی و اخلاقی است، الگوساز باشد.

با این همه در تصویر آمار و ارقام، نقش زن در

سطوح قانونگذاری، سیاست‌گذاری و اجرائی

تحقق اهداف توسعه اجتماعی و اقتصادی

وابسته به عوامل متعددی است که یکی از

مهمترین این عوامل استفاده مناسب و بهینه از

منابع انسانی است. به‌طوریکه متناسب با نیاز

جامعه، زمینه لازم جهت ظهور و رشد

استعدادهای بالقوه، بالندگی تواناییها، ایجاد

تخصص‌های لازم و نیز مشارکت هرچه بیشتر

کلیه افراد جامعه اعم از زن و مرد فراهم گردد.

مهمتر آنکه این مشارکت نه تنها در محدوده خاص

که کلیه سطوح شغلی از پائین‌ترین تا بالاترین

مناصب سیاست‌گذاری و اجرائی را دربرگیرد.

اما با همه پیشرفت‌های دانش بشری و حضور

بیش از پیش زنان در عرصه‌های مختلف

اجتماعی، در صحنه اشتغال، حضور زنان در

سطوح تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری بسیار

کم‌رنگ است.

نگاهی به نقش زن در این سطوح حتی در

جوامع پیشرفته که به مرحله بهره‌مندی از نیروی

زنان در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و

فرهنگی رسیده و موجب اشتغال نسبتاً زیاد آنها

شده است، نشان می‌دهد که حضور زنان در

کانون‌های قانونگذاری، سیاست‌گذاری،

برنامه‌ریزی و مشاغل ارشد اجرائی بسیار کم

است. در اکثر کشورها زنان تنها بخش کوچکی

(بین ۱۰ تا ۳۰ درصد) از سمت‌های مدیریتی را

اشغال می‌کنند و تعداد کمتری (کمتر از ۵ درصد)

نیز به بالاترین مناصب دست پیدا می‌کنند.^(۱) در

جهان غرب با آنکه بیش از ۴۰ درصد نیروی کار را

زنان تشکیل می‌دهند، گروه اندکی از آنان به مراتب

بالای سازمانی ارتقا می‌یابند. در آمریکا و

انگلستان، زنان تنها ۲ درصد اعضای هیئت‌مدیره

شرکت‌های بزرگ را تشکیل می‌دهند.^(۲)

در سال ۱۹۷۸ در یک بررسی از شرکت‌های

بزرگ دولتی آمریکا، نشان داده شد که از میان

و ۱۳۶۵ به ترتیب به ۱۰/۸ درصد و ۶ درصد کاهش یافته و در سال ۱۳۷۰ به ۶/۶ درصد رسیده است. بررسی آمار زنان شاغل ۱۰ سال به بالا برحسب گروههای عمده شغلی در سال ۱۳۷۰ نشان می‌دهد که بیشترین نسبت را کارکنان مشاغل علمی، فنی و تخصصی با ۴۶/۲ درصد شامل می‌شوند و ۲۷/۳ درصد را گروه شغلی کارگران مشاغل تولیدی و امور حمل و نقل تشکیل می‌دهند.

یافت جامعه، شغل‌های مشخصی را برای زنان ایجاد و تشویق می‌کند. در ایران نسبت بالای گروه مشاغل علمی، فنی و تخصصی ناشی از حضور اکثریت زنان شاغل در بخش‌های آموزشی و فرهنگی است به طوری که حتی این نسبت در نقاط شهری به ۶۷/۳ درصد زنان شاغل ۱۰ سال به بالای مناطق شهری می‌رسد. از طرفی، بیشتر این نسبت در مناطق روستائی به گروه شغلی مشاغل تولیدی و امور حمل و نقل اختصاص دارد که مشخصاً تراکم حضور زنان را در این مشاغل نشان می‌دهد.

بررسی‌ها، همچنین نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۲، ۲۵/۶ درصد شاغلین بخش دولتی را زنان تشکیل داده‌اند.^(۸) بالاترین نسبت اشتغال زنان در بخش دولتی به وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی به ترتیب با ۴۲/۱ درصد و ۴۱/۳ درصد اختصاص دارد. همچنین وزارتخانه‌های یادشده مجموعاً ۸۹/۴ درصد از کل نیروی کار زنان را در بخش دولتی به خود اختصاص داده‌اند و تنها ۱/۶ درصد از زنان در سایر وزارتخانه‌ها و دستگاههای دولتی به خدمت اشتغال دارند.^(۹)

دقت در نسبت زنان مدیر و متخصص به کل شاغلان زن، ارقام بسیار ناچیزی را نشان می‌دهد، به طوری که در سال ۱۳۷۲ تنها ۰/۰۹ درصد شاغلان زن را مدیران و کارمندان عالی‌رتبه اداری تشکیل داده‌اند. نسبت متخصصان، کارشناسان و تکنسین‌های علوم فیزیک و شیمی ۰/۰۲ درصد، مهندسان، کارشناسان و تکنسین‌های وابسته ۰/۳۵ درصد و متخصصان امور اقتصادی، بازرگانی و مالیاتی ۰/۰۲ درصد است. تنها ۰/۰۶ درصد زنان شاغل، حقوقدان و ۰/۰۱ درصد قانونگذار و کارمند عالی‌رتبه بخش عمومی هستند.

این در حالی است که در سال تحصیلی ۷۱-۷۲ از مجموع ۳۷۴۷۳۴ نفر دانشجوی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی کشور تعداد

۱۰۵۶۶۷ نفر یعنی ۲۸/۲ درصد زن بوده‌اند. از این تعداد ۷ درصد در دوره کاردانی، ۷۷/۷ درصد در دوره کارشناسی، ۲/۹ درصد در دوره کارشناسی ارشد، ۱۰/۸ درصد در دوره دکترای حرفه‌ای و ۱/۶ درصد در دوره دکترای تخصصی اشتغال داشته‌اند. از سوی دیگر از ۵۲۳۵۳ نفر فارغ‌التحصیل دانشگاهها و موسسات آموزش عالی کشور در سال ۷۰-۷۱، ۱۶۵۷۶ نفر یعنی ۳۱/۷ درصد زن بوده‌اند که ۲۳۳۱ نفر در مقطع کاردانی، ۱۲۱۳۷ نفر در دوره کارشناسی، ۶۵۵ نفر در دوره کارشناسی ارشد، ۱۲۶۲ نفر در دوره دکترای حرفه‌ای و ۱۹۱ نفر در دوره دکترای تخصصی فارغ‌التحصیل شده‌اند.^(۱۰)

هر چند که سطح سواد و تخصص عامل مهمی جهت راه یافتن به بازار کار و تسلط بر مناصب بالای شغلی است، اما نسبت زنان دانشجو و فارغ‌التحصیل دانشگاهی به کل

● بالاترین نسبت اشتغال زنان در بخش دولتی ایران به وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی (۴۲/۱ درصد و ۴۱/۳ درصد) اختصاص دارد.



● با آنکه زنان نیمی از جمعیت بزرگسال جهان را تشکیل می‌دهند اما فقط ۱۰ درصد کرسی‌های پارلمان‌های جهان و ۴ درصد مشاغل وزارت و یا سایر مقامهای بلندپایه اجرایی را در اختیار دارند.

دانشجویان و فارغ‌التحصیلان در مقایسه با نسبت زنان شاغل، در مشاغل تخصصی و مدیریتی بسیار متفاوت است و نشان‌دهنده آن است که از توان و تخصص این قشر عظیم جامعه استفاده مناسب و به‌جا نمی‌شود.

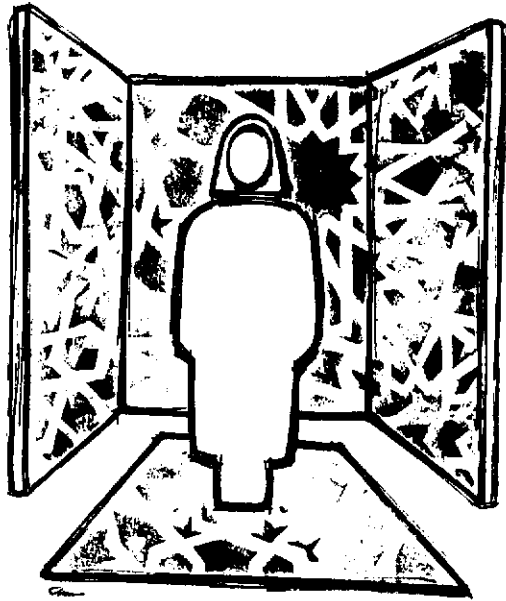
در سال ۱۳۷۲ زنان دارای مدرک تحصیلی دیپلم و کمتر با حدود ۶۵/۶ درصد، بیشترین نسبت زنان شاغل بخش مشمول قانون استخدام کشوری را به خود اختصاص داده‌اند در حالیکه نسبت یادشده در سال ۱۳۵۷ برابر با ۸۰/۵ درصد بوده و این امر بیانگر کاهش معادل ۱۴/۹ درصد است.

مقایسه آمار شاغلان زن در بخش مشمول قانون استخدام کشوری نشان می‌دهد که در سال ۱۳۵۷ نسبت زنان دارای مدرک تحصیلی فوق دیپلم و بالاتر به کل زنان شاغل در این بخش حدود ۱۹/۵ درصد بوده است. در حالی که این نسبت در سال ۱۳۷۲ به ۳۴/۳ درصد ارتقا یافته است که علت این امر را می‌توان از یک سو خارج شدن نیروهای غیرتخصصی مازاد بر احتیاج دولت طی سال‌های اخیر و از سوی دیگر محدودیت‌های استخدامی از جمله تبصره ۶۰ قانون بودجه سال ۱۳۶۴^(۱۱) و تبصره اصلاحی ماده ۷۴ قانون استخدام کشوری برشمرد که باعث شد تا توزیع نیروی انسانی در دستگاههای دولتی مطلوبتر گردد.^(۱۲)

باین همه، بررسی سطوح بالای شغلی وزارتخانه‌های دولتی، اندک بودن تعداد زنان را در آن سطوح ثابت می‌کند. به طوری که هیچ زنی در مقام وزیر و یا مدیرعامل سازمانهای بزرگ دولتی قرار نگرفته و تنها ۶ نفر زن در پنج وزارتخانه به‌عنوان مشاور مشغول فعالیت هستند و البته اخیراً یک نفر زن در سمت معاون وزیر بهداشت و درمان منصوب گردیده است.

از طرفی با آنکه ۴۸/۴ درصد کل جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند، تعداد نمایندگان زن در مجلس شورای اسلامی در هر یک از دوره‌های اول تا سوم ۴ نفر و در دوره چهارم ۹ نفر بوده است. و این در حالی است که تعداد نمایندگان مرد از دوره اول تا چهارم به ترتیب ۲۳۰، ۲۶۶، ۲۶۳ و ۲۵۰ نفر بوده است.^(۱۳)

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که حضور زن در حوزه مدیریت بسیار کم‌رنگ و در اکثر موارد بی‌رنگ است. براساس آمار گردآوری شده، تخمین زده می‌شود که ۴/۵ درصد از زنان در سطوح مدیریتی فعالیت می‌کنند.^(۱۴) به‌روایتی



● بررسی سطوح بالای شغلی وزارتخانه‌های دولتی، اندک‌بودن تعداد زنان را در آن سطوح، ثابت می‌کند.

● بررسی‌های انجام‌شده، نشان می‌دهد که حضور زنان در حوزه مدیریت، بسیار کم‌رنگ و در اکثر موارد بی‌رنگ است.

● در شرایط کنونی، حضور فعالانه زن علاوه بر سطح ملی، در محافل بین‌المللی نیز ضرورت دارد.

دیگر از ۴۰ هزار پست مدیریت در دستگاه‌های دولتی کشور تنها دو هزار نفر از آنها زن هستند.^(۱۵) توجه به این مطلب که حدود نیمی از جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند، ضرورت بازنگری نقش زنان در این حوزه را به‌طور جدی مطرح می‌کند.

به‌طور کلی برای پرداختن به این مهم ابتدا لازم است که حضور زنان در اجتماع گسترش یابد تا نقش موثر آنان را در صحنه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌اثبات رساند. زیرا تا زمانی که زمینه و شرایط لازم جهت حضور فعال و موثر زنان در جامعه برقرار نشود و باور و اعتقاد اجتماعی لازم در این مورد فراهم نگردد، بی‌شک حضور او در حوزه‌های مختلف تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مشکل خواهد بود. لازمه حضور زن به‌عنوان قشری از جامعه که همواره فکر، ذهن، توان و نیرویش به‌کناری گذاشته شده و اکنون در معرض شکوفائی است، توسعه ظرفیت فکری و علمی او است، تا بتواند در موقعیت‌های مختلف ضمن درک جایگاه خویش در اداره و رهبری محیط پیرامون، از قوه تشخیص و اراده خود به خوبی بهره‌گیرد و با توانمندی هرچه بیشتر ایفای نقش نماید.

هر چند که باتوجه به فضای عمومی، زن حتی در شرایط برابر با مرد باید برای اثبات وجود و توانمندی خویش چندین برابر گام بردارد و مسیر سخت‌تری را طی کند. اما زن مسلمان ایرانی می‌تواند در شرایط کنونی با آگاهی از پیچیدگی‌های سیاسی و اقتصادی عصر حاضر، پیامدهای بحران انحطاط اخلاق، سقوط روزافزون ارزش‌های اعتقادی، تبعیض‌های جنسی موجود و ضرورت تغییرات بنیادین، با جدیت، سخت‌کوشی و حضور مستمر و دائم خود به نیروئی اثربخش و حرکت‌ساز تبدیل شود. درک عمیق از حساسیت‌ها، نیازها و ضرورت‌های ملی و اعتقادی این مهم را صدچندان می‌کند. برای هموارشدن راه، توصیه‌هایی چند به‌نظر می‌آید:

۱ - حضور زن در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی نباید صرفاً به‌قصد برابری با مرد و حساسیت‌های برتری‌جویانه، که باید به‌عنوان موجودی زنده، بیدار و مسئول که خداوند نیز به‌قدر توانائی‌اش بر او تکلیف می‌کند، «لایکلف الله نفساً الا وسعها» خود را دریابد و و براساس اراده خویش منشاء حرکت، فکر و عمل گردد. به‌یقین توسعه بینش و دانش زن، مسئولیت

بیشتری به وی می‌بخشد و بدیهی است که عملکرد ناشی از خصلت تعهد و مسئولیت‌پذیری هنگامی آثار مثبت خود را به‌ظهور می‌رساند که از حوزه‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری جاری گردد.

۲ - توانائی در تصمیم‌گیری و مدیریت مستلزم برخورداری از خصوصیات است که در بستر نظام آموزش و پرورش پدید می‌آید. در این زمینه لازم است که نظام آموزشی کشور در جهت رشد استعدادها و ترویج و تقویت استقلال فکری دختران و ایجاد حساسیت به موثر بودن نقش آنان در آینده کشور به‌عنوان عناصر تصمیم‌گیر، تصمیم‌ساز و مسئولیت‌پذیر سمت‌دهی شود و توانمندی علمی آنها از طریق نظام آموزش عالی به‌منظور احراز شایستگی علمی لازم در مشاغل کلیدی توسعه یابد.

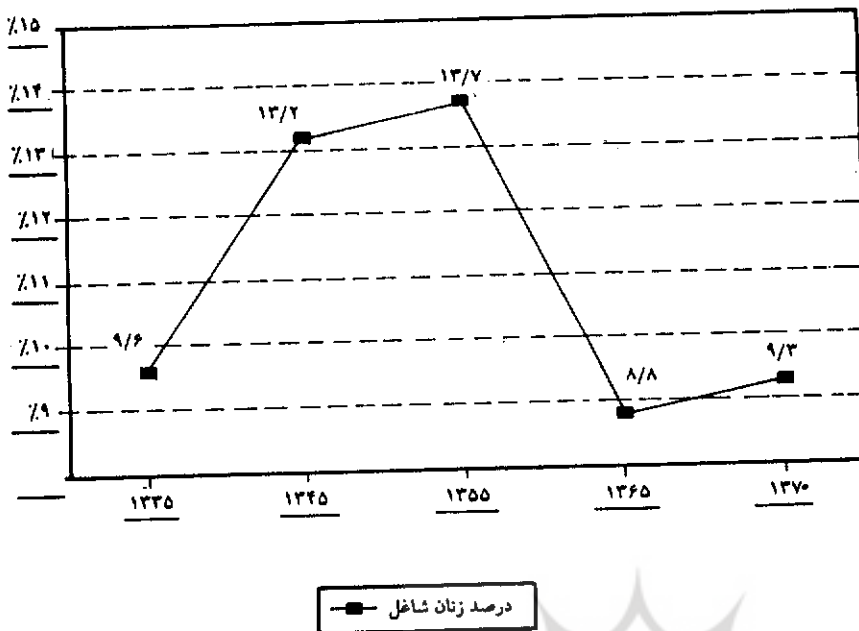
۳ - از تشریفات شدن حضور زن در عرصه فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به‌شدت پرهیز شود که این خود موجب انحراف در حضور او چه در صحنه‌های داخلی و چه در صحنه‌های بین‌المللی خواهد شد و باز هم زن به‌شکلی دیگر به‌عنوان ابزار و نه انسان مطرح خواهد شد. در شرایط کنونی حضور فعالانه زن علاوه بر سطح ملی، در محافل بین‌المللی نیز ضرورت دارد اما این حضور باید به نسبت بینش، دانش و توانمندیهای او توسعه یابد که اگر این خصوصیات نادیده انگاشته شود صرفاً به حضور

فیزیکی محدود خواهد شد.

۴ - فراهم‌کردن زمینه‌های لازم جهت حضور زن در سطوح سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری به مقدماتی نیاز دارد که از آن جمله تامین امکانات و تسهیلات لازم برای حضور اوست. چرا که او نقش پرمسئولیت مادری و پرورش نسلی دیگر را نیز عهده‌دار است. وجود گرایش‌های متعصبانه مرز حساسی را در این بین ایجاد کرده است. از یک سو وجود تفکرات جاهلانه در جهت حذف و نفی حضور اجتماعی و سوق‌دادن او به سمت خلوت‌خانه که حتی در باور زن از نقش خویش تاثیر گذاشته است و از دیگر سو حرکت‌های متعصبانه الگوی غرب زن را دچار برخورد غیرمنطقی کرده است، تا جایی که حتی برای عواطف و احساسات هم نوعی تقسیم برابر بین زن و مرد قائل است. به‌طوریکه کنفرانس پکن با همه تاثیرات مثبتی که در زمینه‌های مختلف حقوقی، اجتماعی، بهداشتی در جهت ارتقا وضعیت زنان به‌جای گذاشته، اما در بند ۱۵ اعلامیه سند خود به تقسیم برابر مسئولیت در قبال خانواده از سوی مردان و زنان تاکید کرده است. از این رو با درک واقع‌بینانه از روند هردو حرکت باید نقش زن در هر دو بعد خانواده و اجتماع را ارزشمند شمرد. و با اذعان به این مهم در جهت بازیافتن نقش زن به‌عنوان عنصر موثر در حرکت جامعه زمینه‌سازی و کوشش کرد.

۵ - انتخاب و احراز مدیران و کارگزاران براساس نظام شایستگی موجب خواهد شد که ضوابط و

درصد زنان شاغل نسبت به کل شاغلین کشور

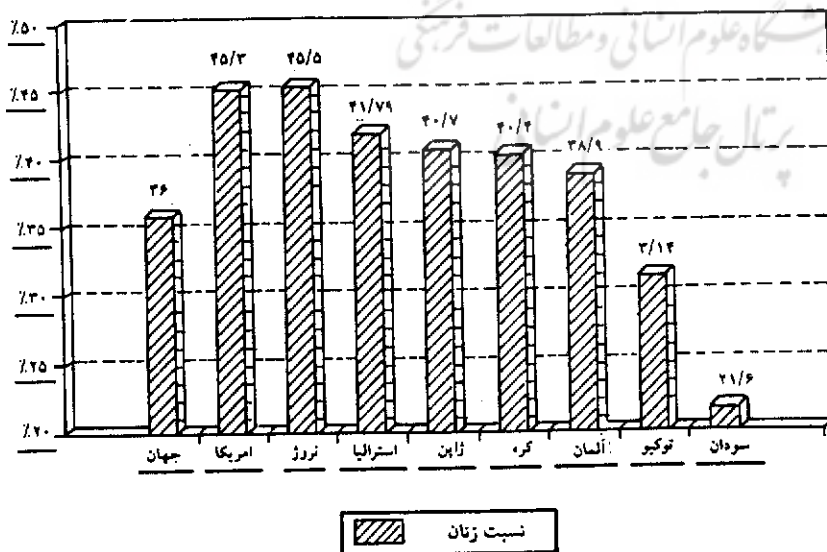


منبع: سالنامه آماری - مرکز آمار ایران - سال ۱۳۷۱ - ص ۶۶

نمودار شماره (۱)

نسبت زنان در کل نیروی کار جهان و کشورهای مختلف

در سال ۱۹۹۰



نمودار شماره (۲)

شایستگی‌ها به‌عنوان عامل تعیین‌کننده محسوب شوند و در نتیجه استعدادهای و خلاقیت‌ها ظهور پیدا کند و در این راستا دیگر جنسیت مگر در مواردی خاص مطرح نبوده بلکه فرد حائز اهمیت خواهد بود. بنابراین ضمن بسط اعتقاد و باور عمومی به توانمندی زنان در مناصب بالای اجتماعی حمایت و استفاده مناسب از نیروی زنان در کسانون‌های برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و اجرایی کشور و برخورد منصفانه برای واگذاری مسئولیت‌ها و دوری از هرگونه تسامح و غفلت در بهره‌گیری از استعدادهای و تخصص‌ها لازم می‌آید.

منابع:

1 - UNEQUAL RACE TO TOP WORLD OF WORK, NO.2, 1993, pp.6.7

۲ - زنان در جایگاه مدیریت، صنعت و مطبوعات تیرماه ۱۳۷۱ - ص ۳۴

۳ - منبع شماره ۲

۴ - منبع شماره ۱

۵ - زن به‌سوی آزادی، در کدامین سو، علی نوری، فرهنگ

و توسعه، مرداد و شهریور ۷۴، شماره ۱۹ - ص ۲۰

۶ - گزارش بررسی وضعیت اشتغال زنان، دفتر آمار و برنامه‌ریزی نیروی انسانی - نشریه شماره ۱۹۵

7 - UNEQUAL RACE TO TOP, WORLD OF WORK, NO. 2, 1993, pp. 6-7.

۸ - گزارش بررسی وضعیت اشتغال زنان - دفتر آمار و

برنامه‌ریزی نیروی انسانی نشریه شماره ۱۹۵ ص ۴۲

۹ - سالنامه آماری ۱۳۷۲

۱۰ - گزارش بررسی وضعیت اشتغال زنان - دفتر آمار و برنامه‌ریزی نیروی انسانی مرکز آمار ایران. نشریه شماره

۱۹۵. ص ۱۶

۱۱ - از ابتدای سال ۶۴ استخدام رسمی برای کلیه مشاغل به‌استثنای مشاغل فنی که حداقل شرایط احراز آنها دارا بودن مدرک تحصیلی دانشگاهی است و نیز مشاغل آموزشی و بهداشتی و درمانی ممنوع خواهد بود.

۱۲ - گزارش بررسی وضعیت اشتغال زنان - دفتر آمار و برنامه‌ریزی نیروی انسانی - مرکز آمار ایران - نشریه شماره ۱۹۵ - ص ۲۹ یونیسف

۱۳ - مجلس پنجم، چشم‌انداز توسعه و عدالت اجتماعی، دکتر عطاء... مهاجرانی. تدبیر. آبانماه ۷۴ شماره ۵۷ - ص

۶۱

14 - SITUATION ANALYSIS OF WOMEN AND CHILDREN IN THE ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN - 1991

۱۵ - اطلاعات ۱۹/۲/۷۴